

الگویابی ادراک ژئوپلیتیکی کشورهای همجوار نسبت به فضاهای جغرافیایی پیرامون جمال احمدی سیلوه^۱

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

محمد رضا حافظ نیا

استاد جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیا، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

ریباز قربانی نژاد

استادیار جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیا، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۲۶

چکیده

فضای جغرافیایی با دارا بودن ارزشها و منابع متنوع زیستی، بنیان‌های طبیعی و کارکردی ادراک و شناخت متفاوتی به کشورها و بازیگران سیاسی می‌نمایاند. مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی بصورت ارزش‌های درک شده از سوی کشورها، ملت‌ها، بازیگران سیاسی و حکومت‌ها در می‌آیند و معنای سیاسی و مطلوبیت خاصی برای آنها پیدا می‌کنند و از ماهیت ژئوپلیتیکی برخوردار می‌شوند، ارزشهای مزبور از ثبات و پایداری برخوردار نیستند و بسته به عوامل و مقتضیات مختلف بویژه در بستر زمان دچار تحول می‌شوند. حکومت‌ها و دولت‌ها به عنوان بزرگترین بازیگران سیاسی، خط مشی، سیاست‌ها و الگوهای رفتاری خود نسبت به مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی دیگر را بر اساس تصور و ادراک ژئوپلیتیکی نوع فرصت‌ها یا تهدیدها (علائق و نگرانی‌های ژئوپلیتیکی) ادراک شده خود از آن شکل می‌دهند و نوع الگوهای رفتاری مختلفی نظیر تعامل، همگرایی، رقابت، ستیز و نظایر آنرا در بین می‌آفرینند. با بررسی دیدگاه‌های صاحب نظران علم ژئوپلیتیک و جغرافیای سیاسی می‌توان گفت: اهم منابع و عوامل تاثیر گذار بر ادراک ژئوپلیتیکی در روابط کشورها، شامل منابع و ارزشهایی است که با ماهیت جغرافیایی و سرزمینی شناخته می‌شوند. در این مقاله، با بهره‌گیری از رویکرد توصیفی - تحلیلی سعی می‌شود اهم این ارزشها با ماهیت جغرافیایی و سرزمینی با ابعاد چهارگانه از قبیل: بنیادهای زیستی و طبیعی، اقتصادی (ژئواکونومی)، فرهنگی - اجتماعی و سیاسی - نظامی (ژئواستراتژیک) در قالب مدل رفتاری تعیین و ترسیم شود.

واژگان کلیدی: نقشه ذهنی، ادراک ژئوپلیتیکی، بازیگران سیاسی، فضای جغرافیایی.

مقدمه

بقا، دوام و اهداف بازیگران سیاسی منوط به بهره برداری از منابع و داده‌های جغرافیایی می باشد. عناصر و عوامل جغرافیایی عامل شکل‌گیری کنش‌ها، تعامل و رقابت ملتها و جوامع در روابط بین الملل هستند. این عناصر مکانی و فضایی به یک اندازه دارای بار سیاسی و ماهیت ژئوپلیتیکی نیستند بلکه ارزش سیاسی عناصر و عوامل ساختاری مکان و فضا و نیز کارکردهای آن از سیالیت و تحول پذیری برخوردار است. کشورها و حکومت‌ها به عنوان بازیگران اصلی دارای حاکمیت و اقتدار به درازای عمر پیدایش در طول تاریخ سیاسی و اجتماعی خود برای بقای اصلی و گسترش حوزه نفوذ و دستیابی به منافع ملی متکی به کنش‌های سیاسی یعنی رفتار خصومت آمیز و تعامل گرا بوده اند. بازیگران سیاسی و کشورها با ارزیابی موقعیت خود، نمی توانند برداشت‌های ذهنی همسان و همسو نسبت به منابع فضا داشته باشند، در بسیاری موارد بازیگران سیاسی نسبت به برخی عوامل و ارزشهای جغرافیایی، فرهنگی، ژئوپلیتیکی بیرون یا درون قلمرو خود برداشت همسان یا ناسازگار داشته اند و هریک اهداف خاصی را دنبال می کنند و حاکمان سیاسی درک ذهنی خاصی از محیط اطراف خود دارند. به همین دلیل کشورها بر مبنای فیلترهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی خود محیط را ادراک می کنند. نتیجه برداشت‌ها و تصورات ذهنی در ارتباط با منابع و ارزشها، سبب بروز نوع علائق و نگرانی‌های ژئوپلیتیکی یا تهدیدها و فرصت‌ها می باشد. مطالعات نشان می‌دهد ادراک ژئوپلیتیک تداعی گر طیف وسیع از ائتلاف‌ها و کشمکش‌ها است مانند جنگ علیه تروریسم و پدیده قاچاق تا کشمکش‌های محلی بر سر تملک اراضی در یک منطقه یا کشمکش بر سر تصاحب منابع در مقیاس‌های گوناگون محلی، ناحیه ای، کشوری، منطقه ای و جهانی. (Gallaher, 2009:249) بسیاری از مبانی ادراکی منشاء جغرافیایی دارند و شاید متداول ترین نوع این تصورات داده‌های زیست محیطی و اقتصادی می باشند، این امر در بسیاری از موارد اسباب رقابت و تنش در سطح جهانی و منطقه ای بوده است. در قرن بیست و یکم مسایلی از قبیل مرز، سرزمین، رشد افسار گسیخته جمعیت، منابع طبیعی، خشکسالی و گرسنگی، مهاجرت‌های دسته جمعی، مذهبی، نژادی قومی و قبیله ای و شرایط زیست محیطی رفتار سیاستمداران و بازیگران را در سطوح چندگانه تحت تاثیر قرار داده است. (Collins, 1998:287) حکومت‌ها و دولت‌ها به عنوان بزرگترین بازیگران سیاسی، خط مشی، سیاست‌ها و الگوهای رفتاری خود نسبت به مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی دیگر بر اساس تصور و تصویر ژئوپلیتیکی ادراک شده خود از آن بروز می دهند. بطوری که عمل سیاسی یک کشور نسبت به کشور دیگر ناشی از تصویر ژئوپلیتیکی آن می باشد. تصویر ژئوپلیتیکی اساس سیاست خارجی و سیاست دفاعی یک کشور را نسبت به کشور دیگر ترسیم می نماید. نمودهای سیاسی تصور ژئوپلیتیکی (ادراک ژئوپلیتیکی) از سوی بازیگران در شکل‌های تسلط بر مکان، فضا و منابع، حذف رقبا و به چالش کشاندن آنها، تصرف قدرت و تغییر در موازنه‌های قدرت سیاسی، ژئوپلیتیکی و راهبردی، فریفتن شهروندان در فرایندهای انتخاباتی، اتخاذ سیاست‌های ملی توسط حکومت‌ها و حتی تازش و اشغالگری نظامی به کشورهای دیگر در همه مقیاس‌های محلی، شهری، کشوری، منطقه ای و جهانی مشاهده می شوند (hafeznia & Kaviani Rad, 2015:68) در ارتباط با مبانی ادراک ژئوپلیتیکی کشورها و بازیگران

نسبت به فضاهای جغرافیایی دیدگاه‌ها و نظرات متنوعی در قالب اندیشه‌های سیاسی از سوی صاحب نظران جغرافیای سیاسی، علوم سیاسی و ژئوپلیتیک ارائه شده است. این پژوهش با رویکرد توصیفی - تحلیلی به روش جمع آوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای مبتنی بر اسناد و مدارک با بهره‌گیری از نظریات ارائه شده از سوی نظریه پردازان در ارتباط با شناخت اعم و اهم منابع و عوامل موثر بر ادراک ژئوپلیتیکی کشورها نسبت به مناطق و فضاهای پیرامونی تبیین و تدوین می‌گردد. هریک از این نظریه‌ها مبنای ادراک ژئوپلیتیکی در روابط بازیگران را به ارزشهای خاصی نسبت می‌دهند بنا بر این ترسیم و تعیین کارکرد عوامل و ارزش‌های اساسی جغرافیایی تاثیرگذار بر ادراک ژئوپلیتیکی کشورها با ماهیت سرزمینی و ژئوپلیتیکی در راستای الگوی برداشت و رفتار بازیگران سیاسی و کشورها در قالب مدل نظری حائز اهمیت است.

۱. مباحث نظری

۱-۱. جغرافیای ادراکی

در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ شاخه جغرافیای ادراکی، که گاهی اوقات جغرافیای رفتاری هم نامیده می‌شود اهمیت زیادی کسب کرد. این شاخه [از جغرافیای انسانی] به شدت روان‌شناسی اثباتی را که عمدتاً شامل تنوع رفتاری و نظریه‌های ادراک شناختی می‌شد جلب کرد. (Rodaway, 1994:14) در سال ۱۹۶۵ در آمریکا، در سمپوزیومی با عنوان «مسائل رفتاری در جغرافیا» بنیان‌گذاری جغرافیای رفتاری آغاز گردید. گفتنی است که جغرافیای رفتار فضایی، بیش از همه از روان‌شناسی، به‌ویژه مکتب رفتارگرایی، بهره‌مند بوده و از روان‌شناسان شناختی - ادراکی نظیر بی. اف اسکینر و ورنر تأثیر پذیرفت. (Shakuie, 2009:115)

در دهه هفتاد قرن بیستم نقد «انسان گرایانه» جغرافیای رفتاری روی ترکیب بعد فضایی زندگی روزمره و نگرش علمی متمرکز شد. باتیمر (۱۹۷۹)، رلف (۱۹۷۶)، رز (۱۹۹۷) و سیمون (۱۹۷۹)، عقاید کارترین‌ها [پیروان فلسفه دکارت] را نقد کردند. آن‌ها اظهار داشتند: به جای پژوهش روی قوانین فضایی و تبیین آن، جغرافیای انسانی باید به معنا و مفهوم ذهنی مکان توجه کند. به عقیده آنان ادراک ذهنی فضاهای جغرافیایی (نقشه‌های ذهنی) و موضوعات (ایژه‌ها) مهم است. مفروضات زیربنایی که شامل این ابعاد می‌شوند نقش مهمی در رفتار محیطی و رفتار در فضا ایفا می‌کنند به نظر می‌رسد برای ساختن چنین دانشی، جغرافیای رفتاری به فهم بهتر رفتار انسان کمک می‌کند. اما برای جغرافیای رفتاری، «فضا» مرکز توجه جغرافی دانان بوده و هنوز هم مورد توجه است رفتار در فضا اتفاق می‌افتد و محیط تأثیرپذیر و دریافت‌کننده محسوب می‌شود. (Benno Wereln, 2010:6) محیط‌های گوناگون جغرافیایی ادراک و شناخت متفاوتی به انسان می‌نمایاند و تنوع محیطی منجر به تنوع ادراکی نیز می‌شود. این فرآیند شناختی از حواس پنج‌گانه، که مستقیماً با محیط در ارتباط است، آغاز می‌شود و در نهایت به شناخت می‌انجامد. نکته مهم اینکه ادراک محیط متکی به تجربیات قبلی و نحوه دریافت اطلاعات و داده‌های محیط است. همچنین تصویر ذهنی افراد از محیط و نحوه برداشت آن‌ها از آن، نقش مهمی در تصمیم‌گیری و رفتار آن‌ها دارد. بنابر این رفتار و تصمیم هر شخص متأثر از تجربیات گذشته اوست و قضاوت و کنش او نیز وابسته به آن است. (Ahmadi, 2017:46)

۱-۲. نقشه‌های ذهنی و شناختی

در جغرافیای رفتاری، نقشه ذهنی عبارت است از ادراک فرد از منطقه‌ای که در آن زندگی می‌کند و با آن در تعامل است. متناسب با افزایش درک افراد از محیط، رفتارهای سنجیده تری در آن جا اتخاذ می‌شود ادراک شخص از جهانی که می‌شناسد به نقشه ذهنی معروف است. نقشه ذهنی، نقشه درونی فرد از جهان شناخته شده اوست به ادراک و دیدگاه افراد از جهان زیست شان بر می‌گردد. نقشه‌های ذهنی نمودی از آگاهی، تصویری از یک مکان و یا یک محیط است که به عنوان نماینده سازمان یافته از واقعیت در مغز فرد بسط یافته و به عنوان نتیجه ای از اطلاعاتی که دریافت شده محفوظ، قابل احضار و تفسیر شده است. نقشه‌های ذهنی در نهایت رفتار شخص را تعیین می‌کند. (Behfroz, 1992: 31-71) جغرافی دانان به جستار نقشه ذهنی افراد و اینکه چگونه آنها فضای پیرامون شان را سامان می‌بخشند علاقه مند بوده اند. چنین مطالعاتی اغلب توسط جغرافی دانان مدرن و نوگرا دنبال می‌شود. جغرافی دانان، نقشه‌های ذهنی را برای تعیین کیفیت‌های ذهنی مردم، ترجیح شخصی و استفاده عملی از جغرافیا مثلاً جهت‌های رانندگی، مورد مطالعه قرار می‌دهند. (<http://en.wikipedia.org>) بین محیط واقعی و محیط ادراکی همواره تفاوت‌هایی دیده می‌شود. محیط ادراکی تصویر ذهنی شخص از محیط پدیداری است. این تصویر ذهنی، از صافی گذراندن اطلاعات از طریق تجربیات یا آگاهی از محیط پدیداری شکل می‌گیرد. محیط ادراکی، بخشی از محیط واقعی، و نه همه محیط واقعی، را نشان می‌دهد. محیط واقعی از طریق صافی فرهنگی، ساختار نگرش‌ها، تجربیات گذشته و تکنیک‌ها قابل مشاهده است. (Ahmadi, 2017: 47)



نمودار شماره ۱- مدل الگوی رفتار مبتنی بر شناخت

(Ahmadi, 2017: 48)

۱-۳. ادراک ژئوپلیتیکی^۱ (تصور ژئوپلیتیکی)

منظور از ادراک، ادراک و ذهنیت، اشخاص، نهادها و بازیگران سیاسی از موقعیت، ویژگی‌ها و محتوای فضاهای جغرافیایی بر اساس منافع مورد نظر خود است. اصطلاح ادراک ژئوپلیتیکی در جغرافیای سیاسی حول مفهوم تصور ژئوپلیتیک شکل می‌گیرد (Jones, 2014: 46). این رفتار به صورت پیدا و پنهان در راستای چشم‌داشت‌های سیاسی از سوی بازیگران به ویژه حکومت‌ها در مناسبات با کشورها، با مردم و شهروندان خود، مناسبات احزاب و بازیگران سیاسی اجتماعی برای اثرگذاری بر افکار عمومی و ایجاد مقبولیت و کسب آرا و جا به جایی قدرت و به چالش کشیدن یکدیگر در افکار عمومی کشورها دیده می‌شوند. نمودهای سیاسی این نوع رفتار از سوی بازیگران در شکل‌های تسلط بر مکان، فضا و منابع، حذف رقبا و به چالش کشاندن آنها، تصرف قدرت و تغییر در موازنه‌های قدرت سیاسی، ژئوپلیتیکی و راهبردی، فریفتن شهروندان در فرایندهای انتخاباتی، اتخاذ سیاست‌های ملی توسط حکومت‌ها و حتی تازش و اشغالگری نظامی به کشورهای دیگر در همه مقیاس‌های محلی، شهری، کشوری، منطقه

¹ Geopolitical imagination

ای و جهانی مشاهده می شوند. (Hafeznia & kaviani Rad,2015:68) اصطلاح یا مفهوم ژئوپلیتیک نماینده مبحثی است درباره مطالعه رقابت قدرت‌ها برای تسلط بر جهان (یا منطقه) با استفاده از امکاناتی که زمین (جغرافیا) در اختیار میگذارد. به گفته دیگر، هنگامی یک بحث به حقیقت بحث ژئوپلیتیک است که چهار رکن تکمیل کننده آن (رقابت، قدرت، سلطه، زمین) به صورت کاملاً تعریف شده در آن حضور داشته باشند. (Ghasemi and others,2018:176) در فرایند ادراک یا تصویرسازی ژئوپلیتیکی، تولید تصاویر معماری شده و به تعبیر دیگر، تصاویر جعلی و القاء آنها به ذهن شهروندان و پذیراندن آنها و سرانجام مشروعیت و مقبولیت یافتن کنش بازیگران سیاسی در فضا و مکان جغرافیایی، نقش رسانه‌ها و هنرمندان بسیار مهم است، به گونه ای که حوزه سیاست و بازیگران سیاسی به خوبی از آنها بهره برداری و گاه بهره‌کشی می کنند و رسانه‌ها و هنرمندان در این راه برای بازیگران سیاسی اعم از حوزه حاکمیت و حوزه مخالفان، سربازان و یاوران خوبی به شمار می آیند. آنها برای توسعه مقبولیت اجتماعی شان در سطوح داخلی و بین المللی به کارزار رسانه‌ای و هنری روی می آورند و آنگاه اهداف و چشم-داشت‌های سیاسی خود را اجرا می کنند و بر فضا و مکان جغرافیایی اثر می گذارند (Hafeznia & kaviani Rad,2015:68)



نمودار شماره ۲- مدل فرآیند تصویرسازی ژئوپلیتیک از مکان - فضای جغرافیایی

(Hafeznia & kaviani Rad,2015:69)

به طور کلی، منابع و داده‌های جغرافیایی به لحاظ بنیادهای استراتژیکی، اقتصادی^۱، فرهنگی^۲، زیست محیطی^۳ و... می توانند بر ادراک ژئوپلیتیک بازیگران سیاسی، کشورها و ملت‌ها مؤثر واقع شوند.

¹ Economic

² Cultural

³ Environmental

۱-۳-۱- بنیاد استراتژیکی

نقاط حساس و استراتژیک نظیر تنگه‌ها و آبراه‌ها در زمره توانمندی‌های استراتژیک قرار می‌گیرند که بر ادراک ژئوپلیتیک کشورها تاثیر گذارند مانند اهمیت و عملکرد جزیره بسیار کوچک ابوموسی^۱ برای ایران و امارات که در تنگه هرمز^۲ واقع شده و عملکرد میان انگلیس و اسپانیا بر سر تنگه جبل الطارق^۳ که اقیانوس اطلس را به دریای مدیترانه وصل می‌کند، نمونه‌هایی از نقاط حساسی هستند که اهمیت استراتژیک آنها برای عبور کنندگان از مسیرهای دریایی از طرفین بیشتر است. آرژانتین و شیلی بر سر کنترل تنگه ماژلان^۴، رقابت روسیه و ژاپن بر سر جزایر کوریل^۵ نمونه‌های دیگری از این موارد به شمار می‌آیند (Collins, 1998:287-290) به لحاظ ظرفیت و توان ادراک کشورها را تحت تاثیر قرار می‌دهند.

۱-۳-۲- بنیاد اقتصادی

امروزه در اختیار داشتن امکانات اقتصادی وسیع و سرزمین‌های غنی به لحاظ منابع اقتصادی یک مزیت عمده برای هر کشوری محسوب می‌شود بر روابط ژئوپلیتیکی تاثیر گذار است. به همین خاطر، توان ارضی و مرزی بین کشورها علاوه بر بعد استراتژیک از بعد اقتصادی نیز برخوردار است. رقابت کشورهای چین، تایوان، ویتنام، فیلیپین، بروئی و مالزی بر سر مالکیت جزایر اسپراتلی^۶ در دریای چین جنوبی به خاطر غنی بودن این جزایر به لحاظ ذخایر نفت و گاز زیر زمینی و مواد معدنی می‌باشد (Valencia, 98:1995). نمونه دیگر رقابت کشورهای آرژانتین، استرالیا، بریتانیا، شیلی، فرانسه، نیوزلند و نروژ بر سر مالکیت و حاکمیت قطب جنوب^۷ که دارای منابع زیرزمینی غنی هیدروکربنی است. (Noer, 1996:103) از مصادیق اقتصادی بوده ادراک ژئوپلیتیک کشورها و ملت‌ها را شکل می‌دهد.

۱-۳-۳- بنیادهای فرهنگی

خطوط جدا کننده نژادهای انسانی، از آن‌جا که محل برخورد علایق فرهنگی^۸ و سبک‌های زندگی متفاوت با هم هستند، کاتولیک‌ها^۹ و پروتستان‌ها^{۱۰} در ایرلند شمالی (Coogan, 1996:64). سرحدات کوهستانی جنوب شرق ترکیه، شمال عراق و شمال غرب ایران جای که کردهای بی‌دولت^{۱۱} از سوی همسایگان‌شان به ستوه آمده‌اند و به طور پیوسته و مدام در جستجوی وطن خود سرگردانند (Prados, 1996:17). از کانون مورد توجه ادراک ژئوپلیتیکی کشورها بوده هنگام بروز اختلاف و تضاد میان منافع فرهنگی و آداب و رسوم کشورها با یکدیگر، افتخار کردن به دودمان و نژاد موجب عطف بازیگران سیاسی است، زیرا علایق نژادی در حقیقت از دیگر علایق محکم‌تر

¹ Abu Musa Island

² Strait of Hormuz

³ Gibraltar Strait

⁴ Strait of Magellan

⁵ Kuri Islands

⁶ Spratly Islands

⁷ Antarctic

⁸ Cultural Interests

⁹ Catholics

¹⁰ Protestants

¹¹ Stateless Kurds

است. در رواندا و بروندي مبارزات خونین نژادی میان قبایل «هوتو^۱» و «توتسی^۲» هم چنان ادامه دارد و دامنه این درگیری‌ها به شرق کنگو نیز کشیده شده است. در دهه ۱۹۹۰ بالا گرفتن اختلافات دیرینه قومی، مذهبی و زبانی در میان صربهای ارتدوکس، کروات‌های کاتولیک، اسلوونیایی‌ها، اسلاوهای مسلمان، آلبانیایی‌ها، مقدونیه‌ای‌ها، مونته‌نگرویی‌ها و حدود پانزده گروه کوچک‌تر در بوسنی و هرزگوین، از مسایل تاثیرگذار بر ادراک طرف‌های منازعه بود که منجر به پاکسازی قومی شد. (Oballance, 1995: 75-76) دامنه نفوذ ادراکات فرهنگی تا حد محلی یا منطقه‌ای است، اما برخی دیگر پیامدهای گسترده و وسیعی دارند. روابط در شاخ آفریقا^۳ میان اتیوپی، سومالی، کنیا و سودان که منجر به دخالت ارتش این کشورها نیز می‌شود، دامنه‌اش در همان منطقه محدود است و در نهایت حالت منطقه-ای به خود می‌گیرد، در حالی که قضیه کشمیر به سرعت می‌تواند گسترش پیدا کرده و بر شدت حساسیت طرف‌های درگیر افزوده شود (Collins, 1998: 293).

۴-۳-۱- بنیادهای فضای زیستی (زیست محیطی)

نوع بشر به زیستگاهی با هوای پاکیزه، آب آشامیدنی، منابع غذایی و امکانات کافی برای زندگی احتیاج دارد، اما مسائلی چون آلودگی، غارت منابع و مواردی از این دست که کره زمین را در بر گرفته، تأمین حداقل احتیاجات جمعیت جهان را که سریعاً رو به افزایش است، با دشواری روبرو ساخته است (Conrad, 1995: 6). منابع زیستی شامل هوا، جنگل، کشاورزی، آبزیان و منابع آب و همچنین سلامت فضای زیستی در کوتاه مدت و دراز مدت بر روابط و ادراک ژئوپلیتیکی کشورها در سطح محلی، منطقه‌ای و جهانی تاثیر گذارند. (Collins, 1998: 297-298).

۲. یافته‌های تحقیق

در این بخش از مقاله، سعی شده است تا زمینه‌های مبانی ادراک محیطی، پیدایش تصور و ادراک ژئوپلیتیکی بازیگران سیاسی و کشورها تشریح گردد. در نظریه‌های ژئوپلیتیک دیدگاه‌های نظریه‌پردازان در ارتباط با شناخت منابع و عوامل ادراک ژئوپلیتیکی مربوط به فضاها و مناطق مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته تا اهم عوامل و متغیرهای موثر بر ادراک و رفتار سیاسی بازیگران بصورت مدل تلفیقی ارائه گردد.

۲-۱- نظریه‌های مرتبط با مبانی جغرافیایی موثر بر ادراک ژئوپلیتیک کشورها

هر مکان و فضای جغرافیایی از ویژگی‌های ساختاری و کارکردی خاصی برخوردار است که منعکس کننده ارزش‌ها، فرصت‌ها و محدودیت‌های آن می‌باشد. همین فرصت‌ها و تنگناهای مختلف، تشکیل دهنده و تداعی گر ادراک و رفتار ژئوپلیتیکی در روابط کشورها به عنوان اصلی ترین بازیگران واحدهای سیاسی - فضایی محسوب می‌شود. ویژگی‌های فرهنگی نظیر ابعاد متفاوت توسعه اقتصادی، اجتماعی، تکنولوژی، جمعیت و... مشخصات طبیعی نظیر آب و هوا، خاک‌ها، فیزیوگرافی و... در کنار موقعیت مطلق (طول و عرض جغرافیایی) نسبی (جهت، فاصله و ارتباط) که هر کشور و فضای جغرافیایی از آن برخوردار است، زمینه را برای پیدایش اختلاف و نابرابری در فرصت‌ها و

¹ Hatu

² Tutsi

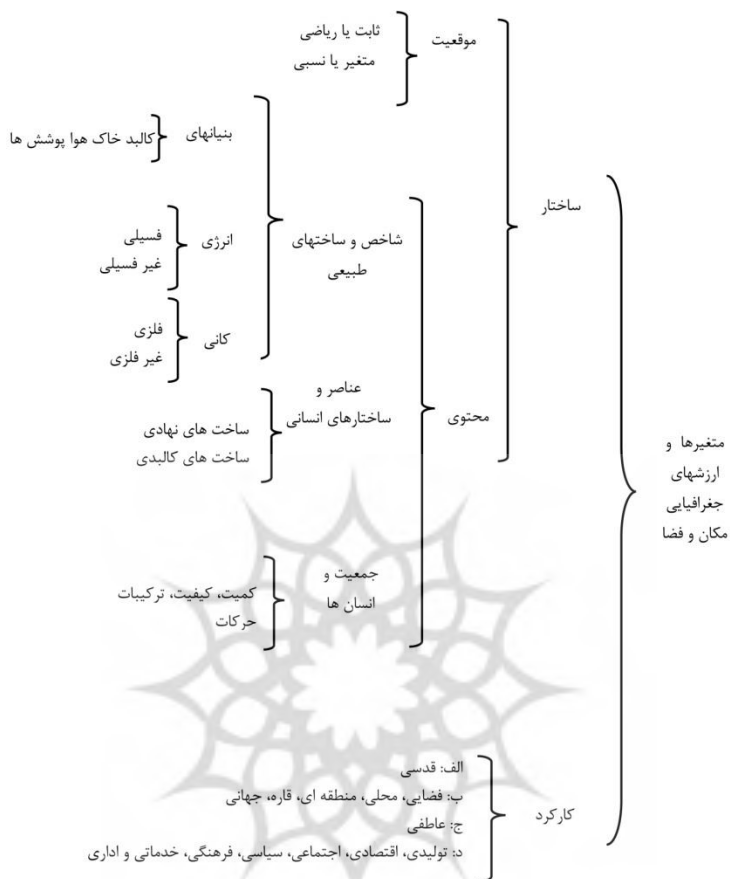
³ The Horn of Africa

محدودیت‌های کشورها و مناطق جغرافیایی فراهم نموده است. (Faraji rad & ghorbani nejad,2017:2) در این بخش از تحقیق، به نظرات چندی از صاحب‌نظران و کارشناسان مربوطه در رشته‌های علوم سیاسی، جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک که در رابطه با ارزش‌ها و مولفه‌های تاثیر گذار (سرچشمه‌های قدرت) موثر بر ادراک ژئوپلیتیکی کشورها در ارتباط با شکل‌گیری رقابت، همکاری و منازعه به ارائه نظر پرداخته‌اند، اشاره می‌شود.

۱-۱-۲- ارزشهای جغرافیایی و ادراک ژئوپلیتیکی بازیگران سیاسی

حافظ نیا معتقد است مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی دارای موقعیت و محتوای ویژه ای هستند که بصورت ارزش‌های درک شده از سوی سازه‌های انسانی، ملت‌ها، دولت‌ها، و گروه‌های بشری در می‌آیند و معنای سیاسی و مطلوبیت خاصی برای آنها پیدا می‌کنند. ارزش‌های جغرافیایی که مطلوبیت سیاسی پیدا می‌کنند از ماهیت ژئوپلیتیکی برخوردار شده و در رفتار و کردار انسان‌ها به صوت گروهی یا فردی اثر می‌گذارند و الگوهای رفتاری مختلفی نظیر همکاری، همگرایی، تعامل، رقابت، ستیز، سلطه، تصرف، کنترل و نظایر آنرا در بین آنها می‌آفرینند. (Hafeznia,2018:273) ارزش‌های جغرافیایی در قالب عناصر و متغیرهای ساختاری و کارکردی مکان و فضای جغرافیایی است که هریک می‌تواند در عرصه سیاست ملی و بین‌المللی نقش آفرینی نماید. ارزش‌های عوامل و متغیرهای مزبور از ثبات و پایداری برخوردار نیست و بسته به عوامل و مقتضیات مختلف بویژه در بستر زمان دچار تحول می‌شوند. مثلاً موقع جغرافیایی مکان‌ها و فضاها در سیاست جهانی و منطقه ای، توسعه تجاری ملت‌ها، برخورد فرهنگ‌ها، دفاع ملی و ایجاد پایگاههای نظامی، تجهیزات جنگی و صلح جهانی موثر می‌باشد ولی تأثیرات و ارزش‌های آن همیشگی، ثابت و پایدار نیست بلکه به موازات تکامل و گسترش تکنولوژی، ظهور تشنجات جهانی، تغییرات عوامل حکومتی، این ارزشها و نقش آفرینی آنها دچار دگرگونی و تحول می‌شوند. عناصر ساختاری و کارکردی مکان و فضای جغرافیایی زمانی که مورد توجه بازیگران مختلف قرار گرفته و به نقش آفرینی سیاسی می‌پردازند ارزش و اعتبار ژئوپلیتیکی پیدا می‌کنند به عبارتی عناصر و عوامل مکانی و فضائی از حیث سیاسی باردار شده و یا بار سیاسی بخود می‌گیرند. بنابراین عنصر یا عامل جغرافیایی تا زمانی که از نظر سیاسی باردار نشده است ماهیت ژئوپلیتیکی پیدا نمی‌کنند. ارزش سیاسی عناصر و عوامل ساختاری مکان و فضا و نیز کارکردهای آن از سیالیت و تحول پذیری برخوردار است. بدین معنی که از دیدگاه نیروهای متخاصم و رقیب و نیز با توجه به پارامتر زمان و دگرگونی‌های تکنولوژیک و همچنین بروز تحول در ماهیت و کارکرد عوامل و عناصر مزبور، ارزش عامل یا عنصر متغیر می‌باشد. مثلاً دو نیروی متخاصم و رقیب می‌توانند درک متضادی از ارزش یک مکان بلحاظ موقعیت نسبی داشته باشند. یعنی یکی از منظر فرصت به آن نگاه کند درحالی که دیگری به آن نگرش تهدید داشته باشد. یا هر دو می‌توانند به آن نگرش مثبت یا منفی داشته باشند. پس تعیین ارزش و اعتبار یک عامل و عنصر جغرافیایی تابعی از ادراک و برداشت بازیگران سیاسی نسبت به ماهیت، خصلت‌های ذاتی و کارکردهای آن می‌باشد. از این رو می‌توان گفت که ارزش سیاسی یک عامل یا عنصر مکانی و فضائی در طیفی از فرصت تا

تهدید شناور و سیال می باشد و تعیین کارکرد فرصتی (مثبت) یا تهدیدی (منفی) برای آن نسبت به خود یا دیگران و رقبا، بستگی به تدبیر و راهبرد و یا استراتژی بازیگران سیاسی دارند. (Hafeznia,2018:319)

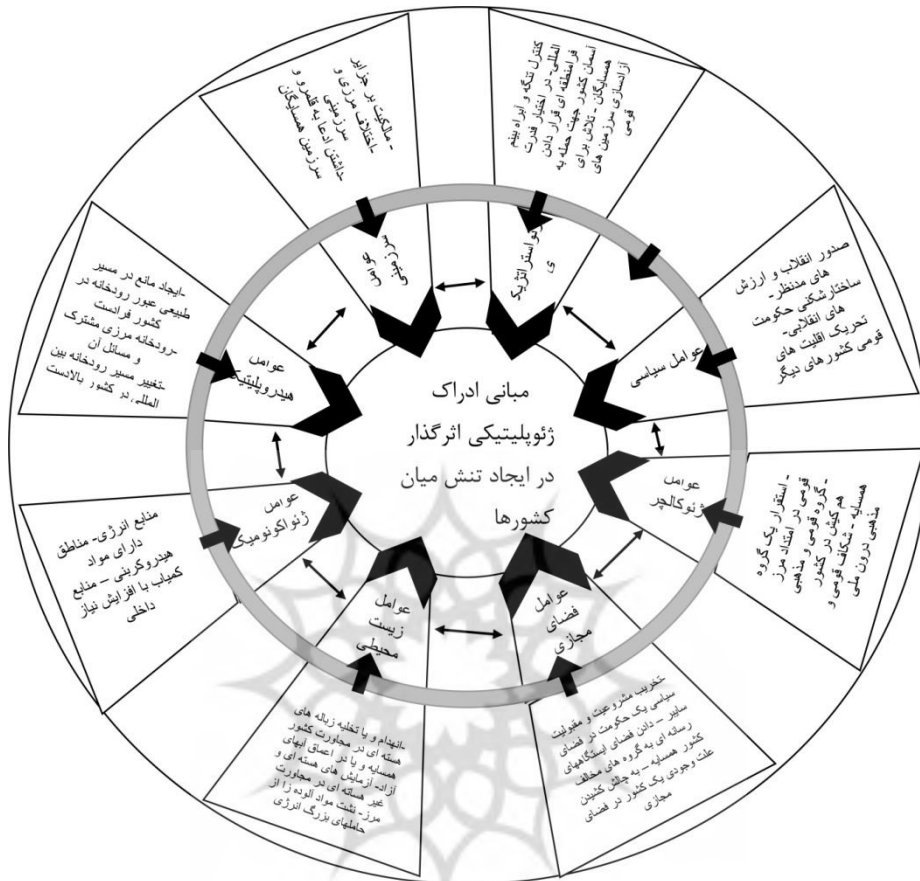


نمودار شماره ۳- ارزش‌های جغرفیایی مکان و فضا حافظ نیا (۱۳۹۶)

(Hafeznia,2018:318)

۲-۱-۲- منابع ادراک ژئوپلیتیکی موثر در ایجاد تنش میان کشورها
حافظ نیا و قربانی نژاد معتقدند که ارزش‌های جغرفیایی و عوامل ادراک ژئوپلیتیکی (تصورات ژئوپلیتیکی) تاثیر گذار بر روابط و کنش میان کشورها باید به طور همه جانبه اعم از متغیرهای فرهنگی (ژئوکالچر)، اقتصادی (ژئواکونومیک)، سرزمینی (قلمروی)، سیاسی، ژئواستراتژیک، هیدروپلیتیک، زیست محیطی، و متغیرهای مربوط به کارکرد فضای مجازی را در بر گیرد. حال هر یک از عوامل فوق دارای متغیرهای مربوط به خود هستند و از حالت جامع و فراگیر برخوردار می باشند و قادر به تبیین سرچشمه‌های قدرت در مناسبات کشورها هستند. همگی این عوامل دارای ماهیت جغرفیایی و ژئوپلیتیکی بوده و از بعد فضایی و سرزمینی برخوردار هستند. هر کدام از این متغیرها بر سایر عوامل و متغیرها تاثیرگذار بوده و در فعال کردن یکدیگر نقش بسزایی دارند. هرگز نباید انتظار داشت که این مبانی هشت گانه ژئوپلیتیکی با دارا بودن متغیرهای مربوطه در آینده به همین شکل باقی بمانند؛ بلکه، بدون شک با تغییر و تحولاتی که به طور سریع در جهان سیاست و روابط بین الملل در حال اتفاق افتادن است، باید

انتظار منابع و متغیرهای دیگری در آینده در ارتباط با شکل‌گیری تصورات ژئوپلیتیکی در راستای روابط و رفتار ژئوپلیتیکی میان کشورها شاهد باشیم. (Hafeznia & Ghorbaninejad, 2017: 224-240)



نمودار شماره ۴- مدل عوامل و منابع ادراک ژئوپلیتیکی ایجاد تنش در روابط کشورها (Ghorbaninejad, 2014: 353)

۳-۱-۲- نظریه جان کالینز (۱۹۹۸) در ارتباط با منابع ادراکی موثر بر روابط کشورها

«جان کالینز» در کتاب جغرافیای نظامی، منازعات ژئوپلیتیک نشأت گرفته از منابع ادراکی میان کشورها را به چهار دسته منابع استراتژیک^۱، منابع اقتصادی^۲، منابع فرهنگی^۳ و منابع زیست محیطی^۴ نسبت می‌دهد. (Collins, 1998: 288 - 284)

۱- منابع استراتژیک

ادعاهای سرزمینی به قلمرو کشورهای دیگر، رقابت بر سر کنترل نقاط حساس و استراتژیک نظیر تنگه‌ها و آبراهه‌ها در زمره منابع استراتژیک قرار می‌گیرند. مشاجره ایران و امارات متحده عربی بر سر کنترل جزیره ابوموسی^۶ که در

¹ John Collins

² Strategic source

³ Ecoonic source

⁴ Cultural source

⁵ Environmental source

⁶ Abu Musa Island

تنگه هرمز^۱ واقع شده و مشاجرات میان انگلیس و اسپانیا بر سر تنگه جبل الطارق^۲ که اقیانوس اطلس را به دریای مدیترانه وصل می‌کند، نمونه‌هایی از نقاط حساسی هستند که اهمیت استراتژیک آنها برای عبور کنندگان از مسیرهای دریایی از طرفین منازعه بیشتر است. (Collins, 1998: 287 - 290).

۲- منابع اقتصادی

امروزه در اختیار داشتن امکانات اقتصادی وسیع و سرزمین‌های غنی به لحاظ منابع اقتصادی یک مزیت عمده برای هر کشوری محسوب می‌شود. به همین خاطر، بیشتر اختلافات ارضی و مرزی بین کشورها علاوه بر بعد استراتژیک از بعد اقتصادی نیز برخوردار است. کشمکش و اختلاف کشورهای چین، تایوان، ویتنام، فیلیپین، برونئی و مالزی بر سر مالکیت جزایر اسپراتلی^۳ در دریای چین جنوبی به خاطر غنی بودن این جزایر به لحاظ ذخایر نفت و گاز زیرزمینی و مواد معدنی یک منابع اقتصادی به شمار می‌آید.

۳- خطوط فرهنگی

خطوط جدا کننده نژادهای انسانی، از آنجا که محل برخورد علایق فرهنگی^۴ و سبک‌های زندگی متفاوت با هم هستند، منازعات پایداری را میان گروه‌های قومی و مذهبی به وجود می‌آورند (Coogan, 1996: 64). در هنگام بروز اختلاف و تضاد میان منافع فرهنگی و آداب و رسوم کشورها با یکدیگر، افتخار کردن به دودمان و نژاد موجب خصومت‌های طولانی می‌شود، زیرا علایق نژادی در حقیقت از دیگر علایق محکم‌تر است (Oballance, 1995: 75 - 76).

۴- منابع زیست محیطی (فضای زیستی)

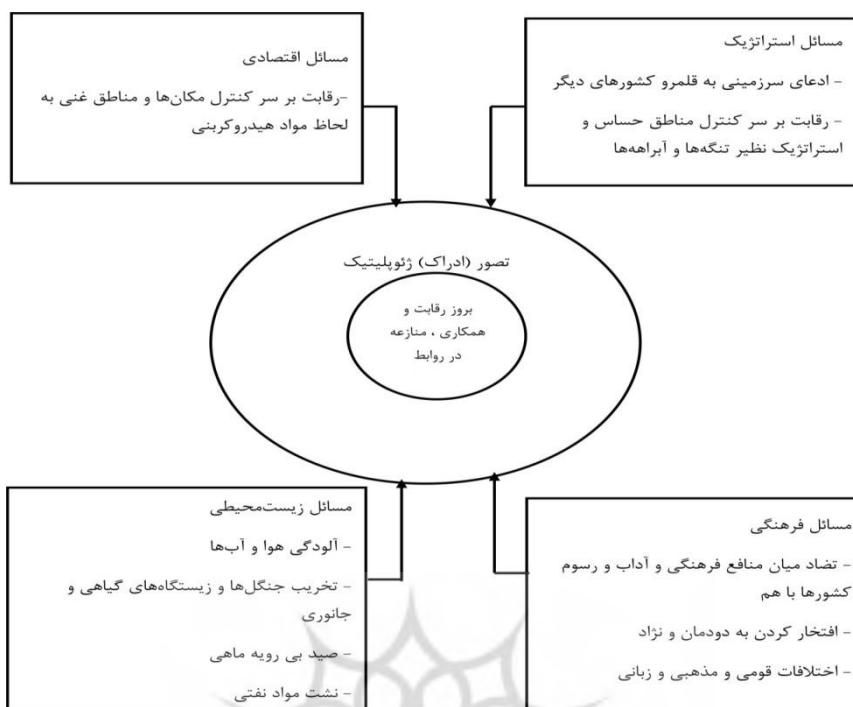
انسان به زیستگاهی با هوای پاکیزه، آب آشامیدنی سالم، منابع غذایی و امکانات کافی برای زندگی احتیاج دارد، اما مسائلی چون آلودگی، غارت منابع و مواردی از این دست که کره زمین را در بر گرفته، تأمین حداقل احتیاجات جمعیت جهان را که سریعاً رو به افزایش است، با دشواری روبرو ساخته است (Conrad, 1995: 6). آلودگی هوا، تخریب جنگل‌ها، سوء مدیریت در بخش کشاورزی، صید بی رویه ماهی، نشت مواد نفتی از نفت کش‌ها، زیاده روی در مصرف منابع آب و دفع بی ملاحظه زباله‌های خطرناک از جمله فعالیت‌های مخرب زیست محیطی به شمار می‌روند که موجب نابودی زیستگاه‌های محلی، منطقه‌ای و حتی جهانی شده و تأثیرات کوتاه مدت و دراز مدتی بر اکوسیستم و شرایط زندگی بشر بر جا می‌گذارند (Collins, 1998: 297 - 298). نکته‌ای که در رابطه با مدل کالینز قابل توجه است توجه وی به نقش مسائل فرهنگی، اقتصادی، استراتژیکی و محیطی بر ادراک و تصور ژئوپلیتیک در جهت رقابت منازعه میان کشورهاست که همگی از زیربنایی جغرافیایی برخوردارند، از نقاط قوت مدل کالینز به شمار می‌رود.

¹ Strait of Hormuz

² Gibraltar Strait

³ Spratly Islands

⁴ Cultural Interests



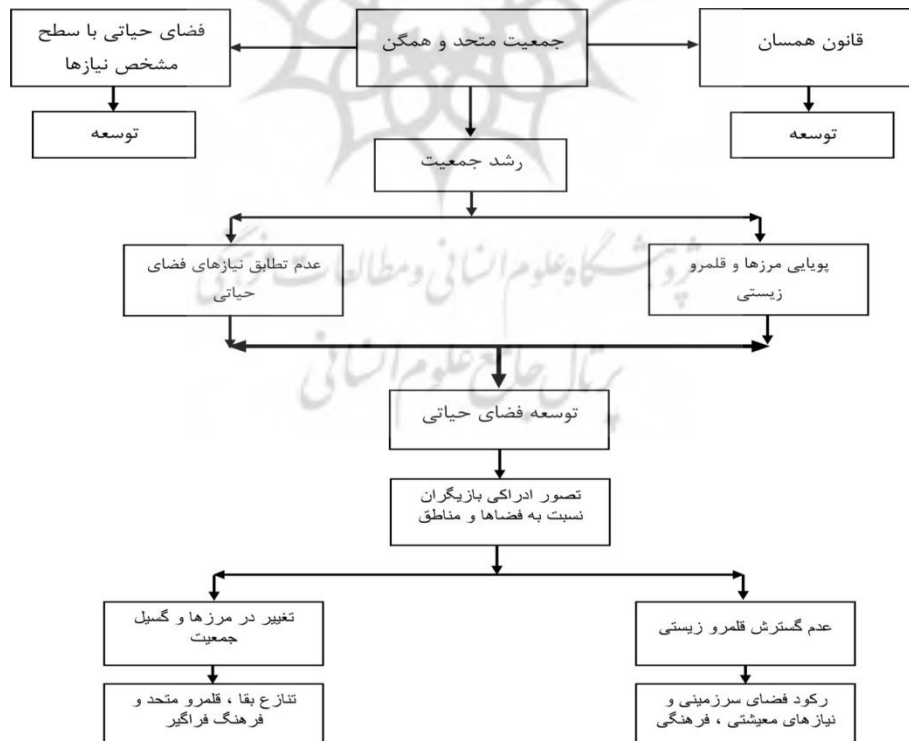
نمودار شماره ۵- مدل منابع و عوامل ادراک ژئوپلیتیکی در روابط کشورها اقتباس از کالینز (۱۹۹۸)
(source:authors,2020)

۴-۱-۳- نظریه فضای حیاتی

طبق نظر راتزل تطابق بین جمعیت انسانی و قلمرو پویاست و زمانی که جمعیت رشد می کند این تطابق از بین می رود که به نیاز بیشتر به زندگی و معاش منجر می شود. یعنی نیاز بیشتر به فضا. پاسخ به این شرایط، سرریز کردن جمعیت مازاد به فراتر از مرزهای رسمی سیاسی کشور بود. تحت شرایط بهینه، کشور خود را از نظر فیزیکی بسط می دهد تا با سطح جدید نیاز تطبیق یابد و محل سکونت اضافی کسب کند و یک بار دیگر قلمرو گسترش یافته جدید را متحد کند. اما اگر کشور از تلاش برای کسب سرزمین‌های جدید ناتوان باشد، یا به طور خلاصه گسترش نیابد، لزوماً مبنای زندگی و معاش خود را از دست می دهد و افول می کند (Bassin, 2006: 16-17). بنابراین راتزل ارائه دهنده نظریه کشور به عنوان یک «موجود زنده» است (Jones, Martin and others, 2008: 9) برخلاف نظریه پردازان مشهور قبلی که کشورها را یک هستی «سیاسی-قانونی» می دانستند، راتزل «کشور» را به یک موجود زنده تشبیه (Agnew, 2002: 65) و استدلال کرد که کشورها به عنوان موجوداتی زنده، گرایشی اجتناب ناپذیر به رشد جغرافیایی دارند (Painter, 2005: 44-45)؛ وی معتقد بود که رشد قلمرو باید از حاشیه کشور به وسیله جابه جایی سرحدات به اجرا درآید (Peckham, 2000: 84). به این ترتیب از نظر وی با توجه به «نظریه رشد کشورها»، مرزهای بین المللی نمی توانند دائمی باشند، بلکه به طور موقت تعیین کننده اوضاع در نزاع فضایی حکومت‌ها محسوب می شوند. (Mirheydar, 2006: 6) درحالی که ضرورت رشد و توسعه قلمرو به طور مساوی در تمامی کشورها وجود دارد، سطح زمین محدود است و تنها می توان میزان محدودی قلمرو برای این هدف ارائه دهد.

¹ - Organism

علاوه بر آن، با رشد کشورها در طول تاریخ، این قلمرو در دسترس نیز محدودتر می شود و در نتیجه کشورها مجبور می شوند به طور مستقیم و تهاجمی با هم برای کسب مزیت قلمروی رقابت کنند. راتزل با تعمیم این شرایط، پیشنهاد کرد که مفهوم «تنازع برای بقا» که توسط داروینیست‌های اجتماعی مطرح شد، به طور دقیق تر و معنادارتری به عنوان «مبارزه برای فضا» استفاده شود. (Mirheidar&Mirsadat,2018:37-40) راتزل در اولین چاپ کتاب جغرافیای مردم شناسی بر رابطه شرایط طبیعی سیاره زمین با فرهنگ انسانی تاکید بسیار داشت. (Shakuie,2005:29) همچنین وی در کتاب جغرافیای سیاسی خود به دو عامل «وسعت» و «موقعیت جغرافیایی» اشاره کرد و معتقد بود که وسعت خاک یک کشور نشان دهنده قدرت سیاسی و نفوذ فرهنگی آن حکومت است. او «تنازع برای فضای حیاتی» در بین فرهنگ‌های مختلف را موتور توسعه و تغییر در تاریخ انسانی می دانست و معتقد بود حکومت‌های دارای قلمروهای بزرگتر و تمدن‌های استعماری پر جنب و جوش، تعیین کننده آینده اند. راتزل در اولین اثر مهم خود درباره جغرافیا به نام «جغرافیای انسانی»^۱ (۱۸۸۲) چنین گفت؛ «موفق ترین مردم کسانی هستند که پیشروی مداوم به سمت نواحی جدید دارند، این نواحی را تصرف می کنند و برای خلق چشم انداز فرهنگی، خود و فرهنگشان را بر طبیعت تحمیل می کنند». او در مقاله ای با عنوان «قوانین رشد فضایی کشورها»^۲ (۱۸۹۶) و در کتاب جغرافیای سیاسی خود (۱۸۹۷) قوانینی را مطرح کرد که ادعا می کرد قوانین طبیعی سازمان دهنده رشد و توسعه سرزمینی کشور به مثابه یک هستی مشخص اند. (Moradi & Aphzali,2014:132-137)



نمودار شماره ۶ - مدل راتزل (۱۸۹۷) در رابطه با مبانی ادراک ژئوپلیتیکی نسبت به فضای حیاتی رشد کشورها

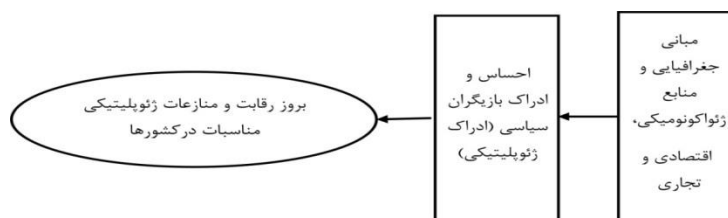
(source:authors,2020)

^۱ - Anthropo - Geographie

^۲ - Laws of the spatial growth of states

۵-۱-۳- ادوارد ان. لوتواک (۱۹۹۰)

«ادوارد ان، لوتواک^۱» در مقاله‌ای با عنوان «از ژئوپلیتیک تا ژئواکونومی: منطق مناقشه، دستور العمل تجارت^۲» (۱۹۹۰) که در ماهنامه «منافع ملی^۳» در ایالات متحده منتشر شد، بر این باور بود که با پایان جنگ سرد، از اهمیت برخورداری از توانایی نظامی در رابطه با امور جاری دنیا به صورت مداوم کاسته می‌شود؛ روش‌های اقتصادی جایگزین روش‌های نظامی گردیده و در همین راستا سرمایه‌های قابل مصرف به جای توان نظامی، نوآوری‌های غیر نظامی با این پیشرفت‌های فنی نظامی و بازارها به جای پادگان‌ها و پایگاه‌ها قرار گرفته‌اند. لیکن باید توجه داشت که تمامی موارد مذکور وسیله‌ای بیش نبوده و هدف را تشکیل نمی‌دهند (Luttwak, 1990: 17 - 18). لوتواک چنین ادامه می‌دهد که در حالی که در روش‌های راجع به تجارت همیشه می‌تواند به واسطه روش‌های راجع به جنگ تحت الشعاع قرار بگیرد، لیکن باید توجه داشت که در دوره ژئواکونومی، نه تنها علل بلکه وسایل مناقشه نیز بایستی اقتصادی باشد. در صورتی که منازعات و اختلالات تجاری منجر به بروز درگیری‌های سیاسی شود، چنین درگیری‌هایی می‌بایستی از طریق توسل به حربه‌های اقتصادی حل و فصل شوند. که از جمله این حربه‌ها می‌توان به محدودیت واردات، در نظر گرفتن یارانه در خصوص صادرات، تأمین اعتبار طرح‌های فنی رقابتی، حمایت از شکل‌ها و روش‌های برگزیده آموزش، شرایط ساختارهای رقابتی و... اشاره نمود (O Tuathail and others, 1998: 128) امروزه آنچه اهمیت دارد مسائل ژئواکونومی است نه ژئوپلیتیک و حرکت سرمایه به جای تجارت کالا و خدمات به صورت محرک اقتصادی جهان در آمده است. (Qasabzadeh and others, 2020: 132) با این حال، ادوارد در بخش پایانی مقاله خود یادآور می‌شود که در رویدادهای جاری دنیا، بنا به دو دلیل ذیل، نقش ژئواکونومی در اقتصاد جهانی بسیار کمتر از نقش ژئوپلیتیک در سیاست جهانی می‌باشد. دلیل اول این که، تمایل کشورها به منظور عمل بر اساس ژئواکونومی متفاوت می‌باشد و این تفاوت حتی در مقایسه با تمایل آن‌ها در عمل بر اساس ژئوپلیتیک نیز بیشتر است. بنا به دلایل تاریخی و نهادی و یا سیاسی، برخی از کشورها شدیداً به نظریه و نگرش آزادی اقتصادی پایبند بوده و به سادگی عمل بر پایه ژئواکونومی را رد می‌نمایند. دلیل دوم آن است که برای کشورهایی که بر اساس ژئواکونومی عمل می‌نمایند، محدودیت‌هایی وجود دارد که باید رعایت شود. این کشورها و یا گروه کشورها در واقع در عرصه‌ای واقع شده‌اند که منحصر به آن‌ها تعلق نداشته و در آن با گرداندگان خصوصی بزرگ و کوچک اقتصادی از اشخاص گرفته تا شرکت‌های بزرگ چند ملیتی همزیستی دارند (Luttwak, 1990: 22 - 24).



نمودار شماره ۷- اقتباس از لوتواک (۱۹۹۰) مبانی تاثیر گذار بر ادراک ژئوپلیتیک میان کشورها (source: authors, 2020)

¹ Edward N. Luttwak

² From Geopolitics to Geo-Economics: Logic of Conflict, Grammar to Commerce

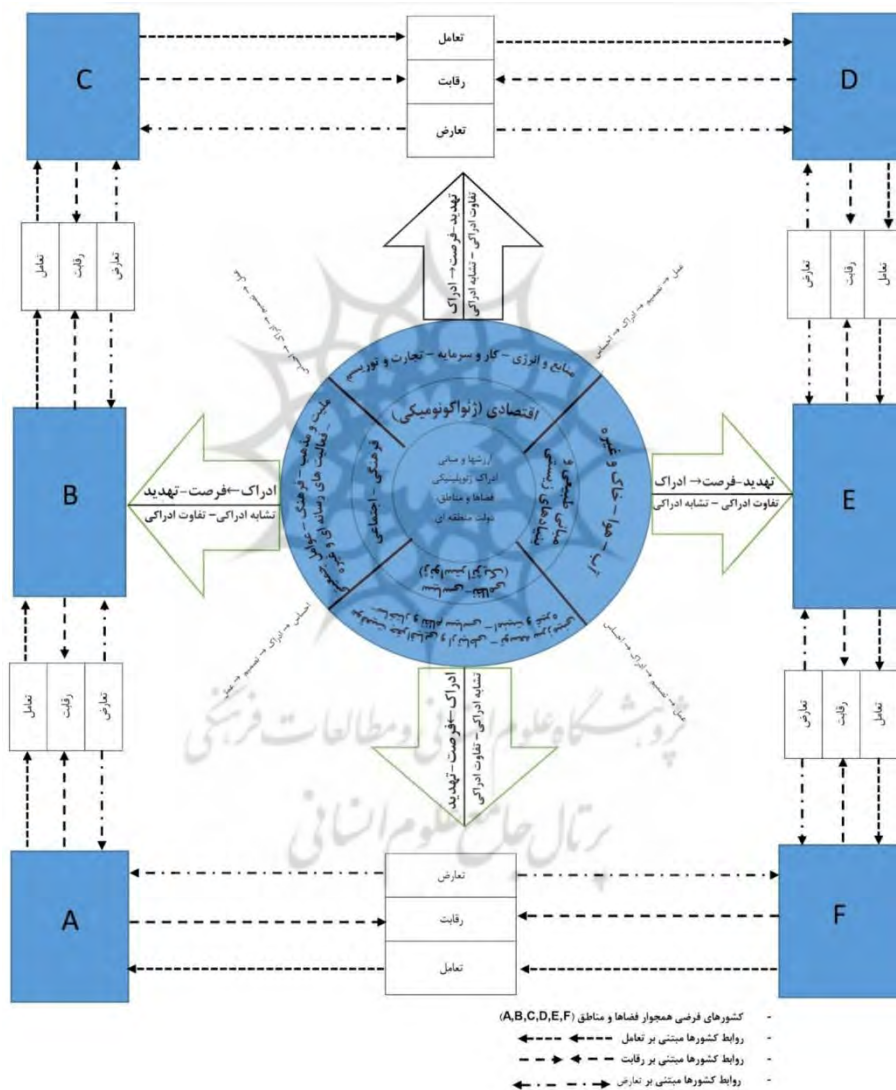
³ National Interest

۴. نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی تحقیق

تصور ژئوپلیتیکی یا ادراک ژئوپلیتیکی کشورها نسبت به فضاهای جغرافیای از جمله مباحث مطرح در جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک است. فضای جغرافیایی با دارا بودن ارزشها و منابع متنوع زیستی، بنیان‌های طبیعی و کارکردی ادراک و شناخت متفاوتی به کشورها و بازیگران سیاسی می‌نمایاند. ادراک و تصویر ذهنی بازیگران و کشورها از محیط و نحوه برداشت آن‌ها از آن، نقش مهمی در تصمیم‌گیری و رفتار آن‌ها دارد. ادراک ژئوپلیتیکی یا به اصطلاح دیگر تصور ژئوپلیتیکی بازیگران سیاسی (کشورها، حکومت‌ها و...) نشأت گرفته از منابع و ارزش‌های جغرافیایی طبیعت پایه و انسان پایه مطلوب انسان در فضا است. انسان برای حیات و زیستن خود به اشکال مختلف، فضای جغرافیایی را مورد کاربری قرار می‌دهد و در عناصر طبیعی، انسانی و کالبدی آن و نیز اتصالات و روابط عناصر با یکدیگر، دخل و تصرف می‌کند و سیما، ساختار و سیستم فضای جغرافیایی را متحول می‌نماید. فضای جغرافیایی متحول شده به نوبه خود کنش‌ها، فرصت‌ها و محدودیت‌های جدیدی برای انسان می‌آفریند و انسان نیز در تقیلائی مجدد و بر پایه تحولات و تغییرات جدید محیطی، رفتار و کردار خود نسبت به آن را سامان می‌دهد (احساس، ادراک، تصمیم، رفتار). بنابراین جریان کنش متقابل دینامیکی بین آنها، دائما استمرار می‌یابد و منجر به تغییرات و نوآفرینی‌های جدیدی در محیط و رفتار انسان می‌گردد. ارزش‌های جغرافیایی که مطلوبیت سیاسی پیدا می‌کنند از ماهیت ژئوپلیتیکی برخوردار می‌شوند در دوران با گذار از تحولات ضمن اینک از حالت سیالیت برخوردار هستند دچار فروکش یا تغییر در ماهیت می‌شوند. از میان نظریه‌هایی که به بررسی عوامل و مبانی ادراک ژئوپلیتیکی موثر بر روابط کشورها پرداخته‌اند، در این پژوهش، رویکردها و دیدگاه‌های چندی از صاحب نظران مورد توجه قرار گرفته است. حافظ نیا متغیرها و ارزشهای جغرافیایی مکان و فضا را به لحاظ ابعاد ساختار (موقعیت و محتوا) و کارکرد بر ادراک ژئوپلیتیک کشورها موثر می‌داند در جایی دیگر حافظ نیا و قربانی نژاد بطور همزمان متغیرهای فرهنگی و ژئوکالچر، ژئواستراتژیک، ژئواکونومیک، هیدروپلیتیک، زیست محیطی و متغیرهای رسانه‌ای را عوامل مبانی ادراک ژئوپلیتیکی کشورها در راستای منازعه و تنش قلمداد میکنند، جان کالینز سعی نموده در رابطه با مبانی ادراک ژئوپلیتیکی مسائل استراتژیک، فرهنگی، اقتصادی، زیست محیطی و هیدروپلیتیک را مد نظر قرار دهد. راتزل ارگانیزم کشور را نیازمند فضای حیاتی دانسته که توسعه فضای سرزمینی نیاز لاینفک توسعه قلمرو کشورها در جهت رشد و تنازع بقا می‌باشد و ادوارد لوتواک منابع و داده‌های ژئواکونومیک پس از جنگ سرد را مبنای شکل‌گیری تصورات ژئوپلیتیکی در روابط کشورها می‌شناسد. با اهتمام و تامل در نظریات ارائه شده می‌توان اهم ارزشها، عوامل، متغیر و مبانی ادراکی موثر بر ادراک ژئوپلیتیکی کشورهای همجوار نسبت به فضاهای پیرامونی را در قالب مدل نظری زیر ارائه نمود.

می‌توان گفت در جغرافیای رفتاری فضا کانون توجه جغرافیدانان رفتاری بوده رفتار در فضا اتفاق می‌افتد و محیط تاثیر پذیرنده و دریافت کننده تلقی می‌شود. تصور ذهنی از فضا و محیط و نحوه برداشت بازیگران سیاسی و کشورها نسبت به آن‌ها نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی دارد. اصولا منابع و مبانی جغرافیای فضا با ماهیت

سیاسی و ژئوپلیتیکی مبنای کنش و رفتار سیاسی میان بازیگران شناخته می‌شوند. در این پژوهش با بررسی نظریات صاحب نظران جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک چنین استنباط می‌شود، منابع جغرافیایی و سرزمینی اساساً مهمترین عامل تاثیرگذار بر ادراک ژئوپلیتیکی کشورها و بازیگران سیاسی بوده. عوامل و عناصر فضایی در قالب متغیرهای ساختاری و کارکردی نقش آفرینی می‌کنند، ارزش‌های عوامل و منابع فضاها برای بازیگران سیاسی و کشورها نمی‌تواند از ثبات و پایداری برخوردار باشند بلکه در بستر زمان به موازات توسعه علمی، تغییر در معادلات جهانی، ساختار حاکمیت‌ها و... دچار تحول می‌شوند.



نمودار شماره ۸ - مدل الگوی ادراک ژئوپلیتیکی کشورها نسبت به فضای پیرامون (source:authors,2020)

فضاها و مناطق با دارا بودن متغیرها و پارامترهای خاص جغرافیایی و سرزمینی (ابعاد چهارگانه مندرج در نمودار شماره ۸) از قبیل بنیادهای طبیعی و زیستی، اقتصادی (ژئواکونومی)، سیاسی - نظامی (ژئواستراتژیک)، اجتماعی و فرهنگی ضمن اثرگذاری بر ادراک محیطی بازیگران سیاسی در یک مکانیسم ارتباطی چند سویه مبتنی بر جغرافیای

کشورها، سبب شکل‌گیری تفاوت‌ها و تشابهات ادراکی در روابط کشورها هستند. منابع و متغیرهای مزبور به عنوان مهمترین منابع تاثیرگذار بر ادراک ژئوپلیتیکی در روابط کشورها شناخته می‌شوند. این عوامل و ارزشهای جغرافیایی با تلفیقی از نظریات به عنوان مهمترین عوامل تاثیرگذار بر ادراک ژئوپلیتیکی بازیگران سیاسی و کشورها از جامعیت و شمولیت لازم برخوردار هستند. کشورها و واحدهای سیاسی به لحاظ ویژگی‌های خاص جغرافیایی نمی‌توانند نسبت به فضاها و نواحی پیرامونی خود درک و رفتار همسو داشته باشند، مشابهت‌ها و تفاوت‌های ادراکی نسبت به فضاهای جغرافیایی مبنای شکل‌گیری فرصت‌ها و تهدیدها (علاق و نگرانی‌های ژئوپلیتیکی) قلمداد می‌شود. احساس، علایق و نگرانی‌های ژئوپلیتیکی بازیگران نسبت به فضاها و مناطق، عامل جهت‌دهی کنش سیاسی بازیگران در سطوح چندگانه می‌باشد، در صورت تشابهات ادراکی و علایق مشترک در فضای ژئوپلیتیکی شاهد نگرش و رفتار همسو (همگرایی و همکاری، تعامل) در روابط کشورها و بازیگران سیاسی هستیم در غیر این صورت رفتار و روابط میان کشورها و بازیگران سیاسی نسبت به فضاها و مناطق مورد نظر منجر به الگوهای رفتاری رقابت و تعارض می‌گردد.

References

- Agnew, J.A. (2002). *Making political Geography*, New York: Oxford University Press
- Ahmadi, Ali. (2017). *Conceptional Attitude to Environment in Behavioural Geography*, Geography Instruction Growth, 31 Period, No.1. (in Persian)
- Behfroz, Fatemeh. (1992). *Study of Behavioural Environmental Conception in the Territory of Behavioural Geography Studies and Contemporary Human Geography*, Geographic Investigations, No 20. (in Persian)
- Callahan, Carolyn and others (2009). *Key Concepts in political Geography*. London and California: Sage Publication Ltd. Collins. Johan (1998). *Military Geography*. Washington: Brassey.
- Conrad, Joseph (1995). *Environmental Considerations in Army Operational Doctrine, a white paper*. Fort Leonard Wood: U.S. Army Engineer School.
- Coogan, Tim Pat (1996). *The Troubles: Ireland's ordeal 1966-1996*. Boulder, Co: Roberts Rinehart.
- Faraji rad, Abdolreza and Rebaz Ghorbani Nejad (2017). *Study and analysis of Geopolitical position of Iraqi Kurdistan*, Quarterly New Attitudes in Human Geography, No.4. (In Persian)
- Ghasemi, Reza and Abdolreza Faraji and Ezzatollah Ezzati (2018). *Regional Impacts of Iraq's Geopolitical structure with Emphasis on Iran*, Quarterly New Attitudes in Human Geography, No.4. (In Persian)
- Ghorbaninejad, Rebaz. (2014). *Finding Pattern of Tension Geopolitical Resources in Nation Relations, Case Study: Southwest Asia*, Dissertation in Modares Training University by Guidance Mohammad Reza Hafez Nia. (in Persian)
- Hafeznia, Mohammad Reza & Ghorbaninejad, Rebaz. (2017). *Geopolitical factors of Conflict in international relations*, Tehran, Islamic Azad University, Science and Research Branch. (in Persian)
- Hafeznia, Mohammad Reza & Kaviani Rad, Morad. (2015). *Philosophy of Political Geography*, First Edition, Tehran, Research Institute of Strategic Studies. (in Persian)
- Hafeznia, Mohammad Reza. (2018). *Principles and concepts of Geopolitics with New Edition and Revision*, Mashhad papole. (in Persian)
- <http://en.wikipedia.org>
- Joneidi, Reza et al. (2014). *An Explanation of the process of Geopolitical Imagination of the Union of Soviet Socialist Republics in the cold War Era*, Iranian International Politics Search, Second Year Fall and Winter. (2014). No 1. (in Persian)
- Jones, Martin et al. (2008). *An Introduction to Political Geography*, Translated by: Pishgahifard, Zahra & Akbari, Rasoul. Tehran, Tehran University Press. (in Persian)

- Luttwak, Edward N. (1990). From Geopolitics to Geo_Economics: Logic of Conflict, Grammar to Commerce. *The National Interest*. vol:20. Pp:17-24
- Mirheydar, Dorreh and S. Mirahmadi, Fatemeh. (2018). Trends of Ideas in Political Geography of tradition and modern, Tehran, Tehran University Press. (in Persian)
- Mirheydar, Dorreh. (2006). A study of the concept of Territoriality and its evolution from the Point of view of the political geography, *Iran Geopolitic periodical*, No 1. P:6-35. (in Persian)
- Moradi, Eskandar and Afzali, Rasoul. (2014). New Thoughts in Geopolitics: postmodernism, post structuralism and Discourse, Tehran, Zeitoon Sabz. (in Persian)
- Noer, John (1996). *Maritime Interests in southeast Asia*. Washington, DC: National Defense University Press
- Edgar (1995). *Civil War in Bosnia, 1992-94*. New York: Martin's press. 22
- O Tuathail, Gearoid et al. (2002). *The Geopolitics Thoughts in Twentieth century*, Translated by: Hafeznia, Mohammad Reza & Hashem Nasiri, State of Department International and Political Studies office, Tehran. (in Persian)
- Painter, J. (2005) *state: society*. In p. cloke & R. Johnston (Eds), *spaces of geographical thought: deconstructing human geographies binaries*, (42-60). London: sage publication.
- Prados, Alfred (1996) *Iraq: Attak on Kurdish Enclave and U.S. Response*, Report No. 96-73 9F. Washington, DC: Congressional Research Service, October! &, 1996
- Peckam, R.s. (2000). *Map Mania: Nationalism and the politics of place in Greece, 1870-1922*, *political geography*, 19(1). 77-95
- Qasabzadeh, Majid and Mohamad Ahkbari and Davood Hassan Abadi (2020). *Geo-economic analysis of the Islamic Republic of Iran in New Equations in southwest Asia*, *Quarterly New Attitudes in Human Geography*, No.1 (In Persian)
- Rodaway, paul. (2002). *sensuous Geographies: body, sense, and, place*, Routledge
- Bassin, M. (1987). *politics From nature environment, ideology, and the determinist tradition*. In J. Agnew, K. Mitchell & G. Toal (Eds) *A companion to political geography* (pp 13-29) third Edition, Malden: Blackwell publishing
- Shakuie, Hossein. (2005). *New Thoughts in Philosophy of Geography, Volume 2*, Tehran, Gitashenasi. (in Persian)
- Shakuie, Hossein. (2009). *New Thoughts in philosophy of Geography, volume 2, Environmental Philosophies and Geographical Schools, Volume 2*, Geographical Organization Publication and Gitashenasi Cartography. (in Persian)
- Valencia, Mark (1995). *China and the South China Sea DisPutes*. Adelphi paper 298. London: International Institute for Strategic Studies

Modeling the geopolitical perception of neighboring countries in relation to the surrounding geographical spaces

Jamal Ahmadi Silooh*

Ph.D. Student in Political Geography, Science and Research Branch,
Islamic Azad University, Tehran, Iran

Mohammad Reza Hafezniya

Professor of Political Geography, Department of Geography, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Ribaz Ghorbaninezhad

Assistant Professor of Political Geography, Department of Geography, Science and Research Branch,
Islamic Azad University, Tehran, Iran

Abstract

Conception or apprehension of countries geopolitics toward geographical spaces is among relevant discourses in political geography and geopolitics. Geographical spaces having diverse value and resources shows natural and functional of diverse conception to countries and political actors. Mental conception of actors and countries from environment and the way of its apprehension has major role in decision and their behaviour. Geographical spaces and places appears as understood values from countries, nations and political actors and finds political meaning and certain desirability for them. Geographical values finding certain desirability possessed geopolitical nature. These values have no stability and according to different condition during times will be changed. Governments and states as the great political actors shape their policy, politics and habitual patterns toward other geographical spaces according geographical conceptions and understood opportunities and threats and create different habitual patterns like interaction, convergence, contest, conflict and so on. By studying the specialist views of political geography science can say the important factors and resources influencing geopolitical conception among country relationship including value and resources distinguished with geographical and regional nature. This study by descriptive-analytical approach tries to determine these important values with geographical and regional of fourfold dimensions like natural, economical, social-cultural and political-military bases in habitual model.

Keywords: mental map- geopolitical conception-political actors-geographical spaces

* (Corresponding author) soma1384@yahoo.com